

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان و نام پدیدآور: انسان ۲۵۰ ساله : بیانات مقام معظم رهبری
در باره زندگی سیاسی-مبارزاتی ائمه معصومین علیهم‌السلام
گردآوری و تنظیم مرکز صهیبا [مؤسسه جهادی]. مشخصات
نشر: تهران: مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری:
۳۷۶ص. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۷۵-۲۲-۲ وضعیت فهرست‌نویسی:
فیبیا موضوع: خائنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران،
۱۳۱۸خظربه درباره چهارده معصوم موضوع: خائنه‌ای، علی، رهبر
جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-پیام‌ها و سخنرانی‌ها شناسه افزوده:
مؤسسه جهادی ره‌پندی تک‌درد ۱۳۹۰ الفباچ/۹ DSR۱۶۹۲/۹
ره‌پندی دیوبی: ۵۰۸۴۴ شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۲۲۲۳۲۴

انسان ۲۵ ساله

بیانات مقام معظم رهبری دربارهٔ زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام

فصل دهم

غایت حرکت

انسان ۲۵۰ ساله

اصل مهدویت مورد اتفاق همهٔ مسلمان‌هاست. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را، در نهایتِ زمانه دارند. آنها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده‌اند؛ اما در بخش اصلیِ قضیه، که معرفت به شخص منجی است، دچار نقصِ معرفتند. شیعه، با خبرِ مسلّم و قطعیِ خود، منجی را با نام، با نشان، با خصوصیات، با تاریخ تولد، می‌شناسد. ۱۳۸۴/۶/۲۹

خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات‌بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمی‌خورند؛ یک واقعیتی را جستجو می‌کنند که این واقعیت وجود دارد. حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی می‌کند؛ مردم را می‌بیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس می‌کند. انسان‌ها هم، آنهایی که سعادتمند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به‌طور ناشناس او را زیارت می‌کنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی می‌کند.

این، خصوصیت عقیده ما شیعیان است.

آنهايي هم که از مذاهب ديگر اين عقیده را قبول ندارند، هيچ وقت نتوانستند دليلی که عقل پسند باشد بر رد اين فکر و اين واقعيت، اقامه کنند. همه ادله روشن و راسخ که بسياری از اهل سنت هم آن را تصديق کرده اند، به طور قطع و يقين از وجود اين انسان والا، اين حجت خدا، اين حقيقت روشن و تابناک - با همين خصوصياتی که من و شما می شناسيم - حکايت می کند و شما در بسياری از منابع غير شيعه هم اين را مشاهده می کنيد.

فرزند مبارک پاک نهاد امام حسن عسکری عليه الصلاه والسلام، تاريخ ولادتش معلوم است، مرتبطيش معلومند، معجزاتش مشخص است و خدا به او عمر طولانی داده است و می دهد. و اين است تجسد آن آرزوی بزرگ همه امم عالم، همه قبایل، همه اديان، همه نژادها، در همه دوره ها.

این، خصوصیت مذهب شيعه درباره این مسئله مهم است.^{۱۳۸۷/۵/۲۷}

نکاتی در اعتقاد به مهدويت هست، که من به اجمال آنها را عرض می کنم. یک نکته اين است که وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فیه استمرار حرکت نبوت ها و دعوت های الهی است از اول تاريخ تا امروز؛ يعنی همان طور که در دعای ندبه می خوانيد، از «فَبَعْضُ أَسْكَنتَهُ جَنَّاتٍ» که حضرت آدم است، تا «إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ»^۲، که رسيدن به خاتم الانبياء صلی الله عليه وآله هست؛ و بعد مسئله وصايت و اهل بيت آن بزرگوار، تا می رسد به امام زمان، همه، یک سلسله متصل و مرتبط به هم در تاريخ بشر است. اين، بدین معناست که آن حرکت عظيم نبوت ها، آن دعوت الهی به وسيله پيامبران، در هيچ نقطه ای متوقف نشده است. بشر به پيامبر و به دعوت الهی و به داعيان الهی احتياج داشته است و اين احتياج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشته، بشر به تعاليم انبيا نزديک تر شده است.

امروز جامعه بشری با پيشرفت فکر و مدنيت و معرفت، بسياری از تعاليم انبيا را - که ده ها قرن پيش از اين، برای بشر قابل درک نبود - درک کرده است. همين مسئله عدالت، مسئله آزادی، مسئله کرامت انسان، اين حرف هايی که امروز در دنيا رايج است، حرف های انبياست. آن روز عامه مردم و افکار عمومی مردم اين مفاهيم را درک نمی کردند. پی در پی آمدن پيغمبران

۱. پس بعضی از آنها را در بهشت منزل دادی.

۲. [در دورهای رسول فرستادی] تا آنکه امر رسالت به حبيب گرامی ات محمد (ص) منتهی گرديد.

و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهاده‌ینه کرده است. آن داعیان الهی، امروز سلسله‌شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیة‌الله‌الاعظم ارواح‌افشاده ادامه سلسله داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین می‌خوانید: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا دَاعِیَ اللَّهِ وَ رَبَّائِیْ آیَاتِهِ»^۱. یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیة‌الله مجسم می‌بینید. این بزرگوار وارث همه آنهاست و دعوت و پرچم همه آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرا می‌خواند. این، نکته مهمی است.

نکته بعدی در باب مهدویت، انتظار فرج است. انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای است. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی اینکه بشریت اگر می‌بیند که طواغیت عالم، تُرک تازی می‌کنند و چپاول‌گری می‌کنند و افسار‌گسیخته به حق انسان‌ها تعدی^۲ می‌کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است. نباید تصور کند که بالاخره چاره‌ای نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «لِلْبَاطِلِ حَوْلَةٌ»^۳ - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم‌ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج، مصداق‌های دیگر هم دارد.

وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل‌گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار فرج، می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان، ناامید دست روی دست بگذارد

۱. سلام بر تو، ای دعوت‌کننده به‌سوی خدا، و دانای بزرگ آیات او

۲. جولان دادن، تاراج کردن و به غارت بردن

۳. (عدو) تجاوز کردن، ستم کردن

۴. تصنیف غررالحکم و دررالکلم/ ص ۲۱. «از برای باطل جولانی باشد [که به‌زودی به‌سر آید و زایل گردد.]»

و بنشینند و بگویند دیگر کاری نمی‌شود کرد؛ نه، وقتی در نهایتِ زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج، ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه انسان‌هاست. این، درس انتظار واقعی به همه انسان‌هاست.

لذا انتظارِ فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم می‌شود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی اینکه دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار، یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه قرآنی است که: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ یا «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲. یعنی هیچ‌وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مایوس شوند.

آن‌روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت می‌کند. این نور امید است که جوان‌ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار می‌کند و از دل‌مردگی و افسردگی آنها جلوگیری می‌کند و روح پویایی را در جامعه زنده می‌کند. این، نتیجه انتظار فرج است.

بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. اجازه ندهید یأس بر دل شما حاکم بشود، انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد؛ مشروط بر اینکه شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد. ۱۳۸۴/۶/۲۹

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه

۱. سوره مبارکه قصص / آیه ۵، «و خواستیم بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شده‌اند، مَتْ نهیم و آنها را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارثان [زمین] کنیم»

۲. سوره مبارکه اعراف / آیه ۱۲۸، «زمین از آن خداست، آن را به هر کس از بندگان که بخواهد به ارث می‌دهد، و فرجام [نیکو] از آن پرهیزکاران است.»

ظلم و جور را، که همه بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسان‌ها بوزاند، تا انسان‌ها احساس عدالت کنند. این نیازِ همیشگیِ یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیلهٔ خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می‌کند، به‌طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردنِ وضع موجودِ زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب؛ که مسلّم است این وضع مطلوب با دستِ قدرتمند ولیّ خدا، حضرت حجت‌بن‌الحسن، مهدی صاحب زمان صلوات‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌رحمته‌و‌برکاته‌و‌اجازاته تحقق پیدا خواهد کرد.

باید خود را به‌عنوانِ یک سرباز، به عنوانِ انسانی که حاضر است برای آن‌چنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم. انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزنند، هیچ اصلاحی را وجههٔ همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان علیه‌الصلوة‌و‌السّلام هستیم. اینکه انتظار نیست. انتظار چیست؟ انتظار، دستِ قاهرِ قدرتمندِ الهیِ ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسان‌ها سیطرهٔ ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسان‌ها را بندهٔ واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود. تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست. انتظار، معنایش این است. انتظار، حرکت است؛ انتظار، سکون نیست. انتظار، رها کردن و نشستن برای اینکه کار به‌خودی‌خود صورت بگیرد، نیست. انتظار، حرکت است. انتظار، آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. ۱۳۸۷/۵/۲۷

جامعهٔ مهدوی یعنی آن دنیایی که امام زمان می‌آید تا آن دنیا را بسازد، همان جامعه‌ای است که همهٔ پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند. یعنی همهٔ پیغمبران مقدمه بودند تا آن جامعهٔ ایده‌آل انسانی، که بالاخره به‌وسیلهٔ ولیّ عصر و مهدی موعود در این عالم پدید خواهد

آمد و پایه‌گذاری خواهد شد، به‌وجود بیاید. مانند یک بنای مرتفعی که کسی می‌آید زمین آن را تسطیح می‌کند و خار و خاشاک را از آن می‌کند، کس دیگری پس از او می‌آید و زمین را برای پایه‌ریزی می‌کند و گود می‌کند، و کس دیگری پس از او می‌آید تا دیوارها را بچیند، و یکی پس از دیگری کند و بلند کند، و کس دیگری پس از او می‌آید تا دیوارها را بچیند، و یکی پس از دیگری مأموران و مسؤولان می‌آیند تا این کاخ مرتفع، این بنیان رفیع به‌تدریج در طول زمان ساخته و پرداخته بشود. انبیای الهی از آغاز تاریخ بشریت یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را و بشریت را قدم‌به‌قدم به آن جامعه آرمانی و آن هدف نهایی نزدیک کنند. انبیاء همه موفق شدند، حتی یک نفر از رسولان الهی هم در این راه و در این مسیر ناکام نماند، باری بود که بر دوش این مأموران عالی‌مقام نهاده شده بود، هر کدام قدمی آن بار را به مقصد و سرمنزل نزدیک کردند، کوشش کردند، هر چه توان داشتند به کار بردند. آن وقتی که عمر آنان سر آمد، این بار را دیگری از دست آنان گرفت و همچنان قدمی و مسافتی آن بار را به مقصد نزدیک‌تر کرد. ولی عصر صلوات‌الله‌علیه میراث‌بر همه پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه الهی برمی‌دارد.

مقداری درباره اوصاف آن جامعه من حرف بزنم. البته اگر شما در کتب اسلامی، در متون اصلی اسلامی دقت کنید همه خصوصیات آن جامعه به‌دست می‌آید. همین ندبه‌ای که در روزهای جمعه ان‌شاءالله موفق باشید و بخوانید و می‌خوانید، خصوصیات آن جامعه ذکر شده است. آنجایی که می‌گوید «أَيُّنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ» مثلاً، آن جامعه، جامعه‌ای است که اولیای خدا در آن عزیزند و دشمنان خدا در آن ذلیل و خوارند، یعنی ارزش‌ها و معیارها در آن جامعه چنین است. «أَيُّنَ الْمُعِزُّ لِإِقَامَةِ الْحُدُودِ» آن جامعه، جامعه‌ای است که حدود الهی در آن اقامه می‌شود، یعنی همه حد و مرزهایی که خدا معین کرده است و اسلام معین کرده است در جامعه زمان امام زمان آن حد و مرزها مراعات می‌شود. امام زمان وقتی که ظهور می‌کند جامعه‌ای می‌سازد که به‌طور خلاصه دارای این چند خصوصیت است، که من آن را می‌گویم و شما برادران و خواهران عزیز دقت کنید در آیات و در ادعیه‌ای که وارد شده است وقتی می‌خوانید، ذهن خود را در این مورد بازتر و بازتر کنید، فقط خواندن دعای ندبه کافی

نیست، درس گرفتن و فهمیدن آن لازم است.

امام زمان صلوات الله وسلامه علیه جامعه‌اش را بر این چند پایه بنا می‌کند؛ اولاً بر نابود کردن و قلع و قمع کردن ریشه‌های ظلم و طغیان. یعنی در جامعه‌ای که در زمان ولّی عصر صلوات الله علیه ساخته می‌شود باید ظلم و جور نباشد، نه اینکه فقط در ایران نباشد، یا در جوامع مسلمان نشین نباشد، در همه دنیا نباشد. نه ظلم اقتصادی و نه ظلم سیاسی و نه ظلم فرهنگی و نه هیچ‌گونه ستمی در آن جامعه دیگر وجود نخواهد داشت. باید استثمار و اختلاف طبقاتی و تبعیض و نابرابری و زورگویی و گردن کلفتی و قلدری از عالم ریشه‌کن بشود. این خصوصیت اول.

دوم، خصوصیت جامعه ایده‌آلی که امام زمان صلوات الله علیه آن را می‌سازد، بالا رفتن سطح اندیشه انسان است؛ هم اندیشه علمی انسان، هم اندیشه اسلامی انسان. یعنی در دوران ولّی عصر شما باید نشانی از جهل و بی‌سوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید. آنجا مردم می‌توانند دین را به درستی بشناسند و این -همچنانی که همه می‌دانید- یکی از هدف‌های بزرگ پیامبران بود که امیرالمؤمنین صلوات الله وسلامه علیه این را در خطبه نهج‌البلاغه شریف بیان کرده است، «وَيُثِيرُوا لَهُم دَفَائِنَ الْعُقُولِ»^۱. در روایات ما وارد شده است که وقتی ولّی عصر ظهور می‌کند، زنی در خانه می‌نشیند و قرآن را باز می‌کند و از متن قرآن حقایق دین را استخراج می‌کند و می‌فهمد. یعنی چه؟ یعنی آن قدر سطح فرهنگ اسلامی و دینی بالا می‌رود که همه افراد انسان و همه افراد جامعه و زنانی که در میدان اجتماع هم بر فرض شرکت نمی‌کنند و در خانه می‌نشینند، آنها هم می‌توانند فقیه باشند، دین‌شناس باشند. می‌توانند قرآن را باز کنند و خودشان حقایق دین را از قرآن بفهمند. شما ببینید که در جامعه‌ای که همه -مردان و زنان- در سطوح مختلف، قدرت فهم دین و استنباط از کتاب الهی را دارند، این جامعه چقدر نورانی است و هیچ نقطه‌ای از ظلمت در این جامعه دیگر نیست. این همه اختلاف نظر و اختلاف رویه، دیگر در آن جامعه معنایی ندارد.

خصوصیت سومی که جامعه امام زمان -جامعه مهدوی- دارا هست این است که در آن روز همه نیروهای طبیعت و همه نیروهای انسان استخراج می‌شود، چیزی در بطن زمین نمی‌ماند

۱. نهج‌البلاغه/ خطبه ۱، «و عقل‌های پنهان شده را که در زیر غبار کفر پوشیده شده و بر اثر تاریکی ضلالت و گمراهی مستور گردیده بود، بیرون آورده و به کار اندازند.»

که بشر از آن استفاده نکند. این همه نیروهای معطل طبیعی، این همه زمین‌هایی که می‌تواند انسان را تغذیه کند، این همه قوای کشف‌نشده، مانند نیروهایی که قرن‌ها در تاریخ بود. مثلاً نیروی اتم، نیروی برق و الکتریسیته؛ قرن‌ها بر عمر جهان می‌گذشت این نیروها در بطن طبیعت بود، اما بشر آنها را نمی‌شناخت، بعد یک روزی به‌تدریج استخراج شد. همه نیروهای بی‌شماری که از این قبیل در بطن طبیعت هست در زمان امام زمان استخراج می‌شود.

جمله دیگر و خصوصیت دیگر این است که محور در دوران امام زمان، محور فضیلت و اخلاق است. هر کس دارای فضیلت اخلاقی بیشتر است او مقدم‌تر و جلوتر است.^{۱۳۵۹/۴/۶}

در یک روایت دیگر می‌فرماید: «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ»^۱ یعنی قائم ما به‌وسیله رُعب نصرت می‌شود و دولت‌های ستمگر و دستگاه‌های ظالم مرعوب او می‌شوند. این، چیزی است که ما امروز یک نمونه کوچکش را در جامعه خودمان داریم می‌بینیم. امروز حکومت ما و جامعه ما و نظام اسلامی ما که یک رشحه‌ای^۲ از رشحات حکومت اسلامی است، یک قطره‌ای از اقیانوس آن عظمت الهی و سلطان الهی است، آنچنان در دل قدرتمندان عالم و ظالمین رعب انداخته که خود این رعب وسیله پیروزی ماست. امروز مستکبرین عالم از جمهوری اسلامی و از انقلاب ما و از ملت ما و نظام ما می‌ترسند. به‌خاطر ترسشان تلاش می‌کنند که این مزاحم قدرتِ ظالمانه خودشان را از میان بردارند و به‌عکس تلاش آنها - همان‌طور که دارید می‌بینید - در صحنه سیاست دنیا بیشتر به پیروزی اسلام و مسلمین منتهی خواهد شد. آن‌وقت یک‌چنین حالتی در دوران ولی‌عصر ارواح‌افشاده^۳ آن‌چنان همه‌گیر و عمومی است که می‌تواند آن حکومت جهانی را به‌وجود بیاورد. «مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ» نصرت الهی او را تأیید می‌کند. زمین در مقابل او پیچیده است؛ یعنی در اختیار او و در قبضه قدرت او قرار می‌گیرد. گنجینه‌ها برای او ظاهر خواهد شد، و قدرت او به مشرق و مغرب عالم گسترش پیدا خواهد کرد.

۱. کمال الدین و تمام النعمه/ ج ۱/ ص ۳۳۱، «قائم ما به‌وسیله ترس در دل دشمنان، یاری شده است و به یاری حق تأیید شده است. زمین برایش در نور دیده شود و گنج‌ها برایش آشکار گردد و تسلطش مشرق و مغرب را فرا گیرد.»

۲. (رشح) چکه، قطره

بعد چند جمله دارد، بعد می‌فرماید: «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ»^۱ یعنی این قدرت در جهت آبادانی عالم صرف خواهد شد، نه در جهت سیطره بر منافع انسان‌ها و به استضعاف کشاندن انسان‌ها. در تمام گستره جهان هیچ نقطه ویرانی وجود نخواهد داشت، مگر اینکه آباد بشود؛ حالا چه ویرانی‌هایی که به‌دست بشر انجام شده، چه ویرانی‌هایی که به‌وسیله جهالت بشر بر انسان‌ها تحمیل شده. یک روایت دیگر از امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَايَلَةُ وَآتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ»^۲ این اشاره به اخلاق برابری طلبی و مساوات‌گرایی انسان‌هاست، اینار و گذشت انسان‌هاست. نجات دل انسان‌ها از تسلط بخل و حرص، که بزرگ‌ترین وسیله برای بدبخت کردن انسان‌ها بوده؛ مبشّر یک‌چنین حالتی است. برادری، به سراغ جیب برادر دیگرش می‌رود و از او به قدر نیاز خودش برمی‌دارد و او مانعش نمی‌شود. این در حقیقت نشان‌دهنده آن نظام سالم اسلامی اخلاقی اقتصادی اجتماعی آن‌روز است. یعنی زور و اجباری در کار نیست، خود انسان‌ها از آن بخل انسانی و حرص انسانی نجات پیدا می‌کنند و یک‌چنین بهشت انسانی به‌وجود می‌آید. باز در یک روایت دیگر «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اُضْمَحَلَّتِ الْقَطَاعُ فَلَا قَطَاعَ»^۳ این بخشش‌هایی که حکومت‌های مستکبر عالم به دوستانشان، به یارانشان همیشه می‌کنند؛ حاتم‌بخشی‌ها، از کیسه ملت‌ها به این و آن بخشیدن‌ها، اینها دیگر بساطش در دنیا برچیده خواهد شد. قطیعه که در گذشته به یک شکل بود، امروز به یک شکل دیگر است. در گذشته به این صورت بود که یک خلیفه‌ای، یک سلطانی یک تکه زمینی را، یک صحرايي را، یک دهی را، یک شهری را، گاهی یک استانی را می‌بخشید به یک نفر، می‌گفت برو هر کار می‌خواهی آنجا بکن؛ از مردمش مالیات بگیر، از مزارعش استفاده کن، هرگونه بهره مادی دارد مال تو. یک حقی هم به سلطان باید می‌داد. امروز هم در شکل انحصارات گوناگون نفتی و تجاری و صنعتی و فنی و این صنایع بزرگ و این انحصارات بی‌چاره‌کننده ملت‌ها، اینها همه‌اش در حقیقت در حکم

۱. کمال الدین و تمام النعمه / ج ۱ / ص ۲۳۱، «و در زمین ویرانه‌ای نماند جز آنکه آباد گردد.»

۲. وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۲۱، «زمانی که قائم قیام نماید شخص نیازمند از جیب برادرش بدون هیچ مانعی حاجت خود را برمی‌دارد.»

۳. جامع احادیث الشیعه / بروجردی / ج ۲۳ / ص ۱۰۱۲، «هنگام ظهور قائم ما، واگذار کردن زمین‌های خراج پایان می‌یابد، پس زمین خراجی در کار نخواهد بود.»

قطیعه است، که این انحصارات امروزی هم در حکم همان قطایع است؛ برای خاطر اینکه این هم به کمک بند و بست با حکومت‌ها و رشوه دادن و رشوه گرفتن به وجود می‌آید. این بساط‌های انسان‌کش و فضیلت‌کش از بین خواهد رفت و وسیله بهره انسان‌ها در اختیار همه آنها قرار خواهد گرفت.

در یک روایت دیگر باز ناظر به وضع اقتصادی می‌فرماید: «و يُسَوِّ بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجاً إِلَى الزَّكَاةِ»^۱ بین مردم آن چنان مساوات در امور مالی و اقتصادی را برقرار خواهد کرد، که یک نفر فقیری که شما بتوانید زکات مالتان را به او بدهید پیدا نخواهید کرد؛ و اینجا زکات طبعاً مصروف خواهد شد برای مصارف عمومی و به فقرا دیگر داده نمی‌شود، چون فقیری آن روز در دنیا نیست؛ و از این قبیل روایات که ترسیم‌کننده یک بهشت اسلامی و یک دنیای واقعی. مثل بقیه مدینه فاضله‌هایی هم که بعضی‌ها درست کردند خیالی و توهماتی نیست، نه. همان شعارهای اسلامی است که هم‌ه‌اش هم عملی است و ما در جمهوری اسلامی احساس می‌کنیم که حقیقتاً یک دستِ قدرتمند و یک دل و اندیشه‌ای که متصل به وحی و تأیید الهی است و یک معصوم یقیناً می‌تواند در دنیا یک چنین وضعی را به وجود بیاورد و بشریت هم از آن استقبال خواهد کرد. این وضعیت آن دنیاست. ۱۳۶۶/۱/۲۱

حالا اگر به آیات و روایات مراجعه بکنید - که البته محققین و متبیین^۲ مراجعه کرده‌اند - خصوصیات بیشتری را هم پیدا می‌کنید. جامعه‌ای که در آن نشانی از ظلم و طغیان و عُدوان و ستم نیست؛ جامعه‌ای که در آن اندیشه دینی و اندیشه علمی انسان‌ها در سطح بالاست؛ جامعه‌ای که در آن همه برکات و همه نعم و همه نیکی‌ها و زیبایی‌های عالم بروز می‌کند و در اختیار انسان قرار می‌گیرد؛ و بالاخره جامعه‌ای که در آن تقوا و فضیلت و گذشت و ایثار و برادری و مهربانی و یک‌رنگی، اصل و محور است. یک چنین جامعه‌ای را شما در نظر بگیرید، این همان جامعه‌ای است که مهدی موعود^۳ ما و امام زمان^۴ ما و محبوب تاریخی دیرین ما - که هم‌اکنون در زیر همین آسمان و بر روی همین زمین زندگی می‌کند و در میان انسان‌ها هست - به وجود خواهد آورد و تأمین خواهد کرد. این اعتقاد به امام زمان.

۱. بحار الانوار/ ج ۵۲/ ص ۳۹۰

۲. (تبع) متبّع: تتبع کننده، مطالعه کننده

ما ملت ایران حالا یک انقلابی انجام دادیم. انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ است. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر صلوات‌الله‌علیه‌و‌عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهیدداده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید بدانید، موجب پیشرفت حرکت انسانیت به‌سوی سرمنزله تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر صلوات‌الله‌علیه شدید. شما یک قدم این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید، با این انقلاب که مانع را - که همان دستگاه و نظام پلید ظلم در این گوشه دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و مودی و آزاردهنده‌ای بود - این را کنید و قلع و قمع کردید.

خُب، حالا بعد از این، چه کنیم؟ بعد از این تکلیف ما روشن است. اولاً ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر صلوات‌الله‌علیه همان‌طوری که با این انقلاب ما یک قدم نزدیک شد، با همین انقلاب ما باز هم می‌تواند نزدیک‌تر بشود. یعنی همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، می‌توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر همین مردم خودشان را به امام زمان نزدیک‌تر کنند. چطور؟ اولاً هرچه شما بتوانید دایره این مقدار از اسلامی که من و شما در ایران داریم - مبالغه نمی‌کنیم، اسلام کامل البته نیست، اما بخشی از اسلام را این ملت توانسته در ایران پیاده کند - همین مقدار از اسلام را هرچه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم، در کشورهای دیگر، در نقاط تاریک و مظلم دیگر گسترش و اشاعه بدهید، همان مقدار به ظهور ولی امر و حجت عصر کمک کردید و نزدیک شدید.

ثانیاً، نزدیک شدن به امام زمان نه نزدیک شدن در مکان هست و نه نزدیک شدن به زمان. شما که می‌خواهید به ظهور امام زمان نزدیک بشوید، ظهور امام زمان یک تاریخ معینی ندارد که صد سال دیگر مثلاً، یا پنجاه سال دیگر، تا ما بگوییم که ما از این پنجاه سال، یک سال و دو سال و سه سالش را گذرانده‌ایم، چهل و شش سال و چهل و هفت سال دیگر باقی مانده، نه. از لحاظ مکان هم نیست که ما بگوییم ما از اینجا حرکت می‌کنیم به طرف مثلاً شرق یا غرب عالم، یا شمال یا جنوب عالم تا ببینیم که ولی عصر کجاست و به او برسیم، نه. نزدیک شدن ما به امام زمان یک نزدیک شدن معنوی است، یعنی شما در هر زمانی تا پنج سال

دیگر، تا ده سال دیگر، تا صد سال دیگر که بتوانید کیفیت و کمیت جامعه اسلامی را افزایش بدهید، امام زمان صلوات الله علیه ظهور خواهد کرد. اگر بتوانید در درون خود جامعه تان - همان جامعه انقلابی - تقوا و فضیلت و اخلاق و دین داری و زهد و نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید، پایه و قاعده ظهور ولی عصر صلوات الله وسلامه علیه را مستحکم تر کردید و هر چه بتوانید از لحاظ کمیت و مقدار، تعداد مسلمانان مؤمن و مخلص را افزایش بدهید، باز به امام زمان و زمان ظهور ولی عصر نزدیک تر شدید. پس ما می توانیم قدم به قدم جامعه خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر صلوات الله وسلامه علیه نزدیک کنیم؛ این یک.

نکته دوم این است، که ما امروز در انقلاب خودمان حرکت ها و روش هایی داریم، این روش ها باید به کدام سمت حرکت کند؟ این نکته، بسیار شایان توجه است. ما یک محصلی را در نظر می گیریم که این محصل مثلاً می خواهد در دانش ریاضی استاد بشود. حالا مقدمات کار او را چگونه باید فراهم کنیم؟ باید جهت تعلیماتی که به او می دهیم، جهت ریاضی باشد. معنی ندارد که ما یک نفری را که می خواهیم ریاضی دان بشود بیاییم درس فقه مثلاً به او یاد بدهیم. یا آن کسی که می خواهد فقیه بشود بیاییم درس طبیعی مثلاً به او بدهیم؛ باید مقدمات متناسب با نتیجه و غایت باشد. غایت، جامعه آرمانی مهدوی است با همان خصوصیات که گفتیم. پس ما هم باید مقدمات را همان جور فراهم بکنیم. ما باید با ظلم نسازیم و باید علیه ظلم حرکت قاطع بکنیم، هر گونه ظلمی و از هر کسی. ما باید جهت خودمان را جهت اقامه حدود اسلامی قرار بدهیم. در جامعه خودمان هیچ مجالی به گسترش اندیشه غیر اسلامی و ضد اسلامی ندهیم. نمی گویم با زور، نمی گویم با قهر و غلبه، که می دانیم با اندیشه و فکر؛ جز از راه اندیشه و فکر نمی شود مبارزه کرد، بلکه می گویم از راه های درست و منطقی و معقول، باید اندیشه اسلامی گسترش پیدا کند.

باید تمام قوانین ما و مقررات مملکتی و ادارات دولتی و نهادهای اجرایی و همه و همه از لحاظ ظاهر و از لحاظ محتوا اسلامی بشود و به اسلامی شدن روز به روز نزدیک تر بشود. این جهتی است که انتظار ولی عصر به ما و به حرکت ما می دهد. در دعای ندبه می خوانید که امام زمان در مقابل فسوق و عدوان و طغیان و نفاق مقابله می کند و نفاق و طغیان و عصیان و شقاق

غایت حرکت انسان ۲۵۰ ساله ■ ۳۴۵

و دودستگی را ریشه‌کن می‌کند و ازاله^۱ می‌کند. ما هم باید در جامعه‌مان امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم. این است آن چیزی که ما را به امام زمان صلوات‌الله‌علیه از لحاظ معنوی نزدیک خواهد کرد و جامعه ما را به جامعه ولی عصر صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه آن جامعه مهدوی علوی توحیدی، نزدیک‌تر و نزدیک‌تر خواهد کرد. ۱۳۵۹/۴/۶

یک تأثیر دیگر و نتیجه دیگری که ترسیم این دنیا برای ما دارد این است، که یأس و نومیدی را از دل ملت‌ها می‌زداید، می‌دانیم که مبارزه ما مؤثر و دارای نتیجه است. گاهی افرادی که با این بُعد از تفکر اسلامی آشنا نیستند، در مقابل معادلات عظیم مادی جهان دچار حیرت و یأس می‌شوند، احساس می‌کنند با این قدرتهای عظیم، با این تکنولوژی پیشرفته، با این سلاح‌های مخرب، با بودن بمب اتمی در دنیا یک ملت حالا انقلاب هم بکند، مگر چقدر می‌تواند مقاومت کند؟ احساس می‌کنند که برایشان استقامت در مقابل فشار قدرت ظلم و استکبار ممکن نیست، اما اعتقاد به مهدی، اعتقاد به روزگار دولت اسلامی و الهی به وسیله زاده پیغمبر و امام زمان این امید را در انسان به وجود می‌آورد که نه، ما مبارزه می‌کنیم برای اینکه عاقبت متعلق به ماست؛ برای اینکه نهایت کار ما یک وضع آن چنانی است که دنیا باید در مقابل او خاضع و تسلیم بشود و خواهد شد. برای اینکه روال تاریخ به سمت آن چیزی است که ما امروز پایه‌اش را ریختیم، نمونه‌اش را درست کردیم ولو نمونه ناقصش. این امید اگر در دل ملت‌های مبارز - مخصوصاً ملت‌های اسلامی - به وجود بیاید، یک حالت خستگی‌ناپذیری به آنها خواهد داد که هیچ عاملی نمی‌تواند آنها را از میدان مبارزه روگردان کند و آنها را به شکست درونی و انهزام درونی دچار کند.

یک نکته‌ای که وجود دارد این است، که تبلیغات غلط در ذهن مردم این جور فرو کرده بود در طول سال‌های متمادی، که قبل از قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هر اقدامی و حرکت اصلاحی بی‌فایده است. استدلال می‌کردند به اینکه دنیا باید پر بشود از ظلم و جور تا بعد حضرت مهدی ظهور کند و تا دنیا پر از ظلم و جور نشده باشد، حضرت مهدی ظهور نخواهد کرد. می‌گفتند که آن حضرت ظهور می‌کند بعد از آنی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد.

نکته‌ای که اینجا وجود دارد این است که در تمام روایاتی که در باب حضرت مهدی هست، این جمله این جوری است «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا».^۱ در یک‌جا بنده تا حالا ندیدم و گمان نمی‌کنم «بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» وجود داشته باشد در روایات. با توجه به این نکته من مراجعه کردم به روایات گوناگون در ابواب مختلف، هیچ‌جا نداریم که «بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»، همه‌جا این جوری است «كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». یعنی پر کردن دنیا از عدل و داد به وسیله حضرت مهدی، بلافاصله بعد از آن نیست که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد نه، بلکه همان طوری که در طول تاریخ بارها، نه یک بار نه در یک زمان، در زمان‌های گوناگون دنیا پر بوده از ظلم و جور؛ در دوران فراغه، در دوران حکومت‌های طاغوتی، در دوران سلطنت‌های ظالم که همه دنیا زیر فشار ظلم و در سایه ابر تاریک جور و عدوان پوشیده شده بود و سیاه بود، و هیچ‌جا نوری وجود نداشت که نشانه عدالت و آزادی باشد، یک‌چنین روزی را همچنان که دنیا دیده، یک روزی را هم خواهد دید که در سرتاسر آفاق این عالم پهناور یک‌جا نباشد که نور عدل در آن نباشد. یک‌جا نباشد که ظلم در آنجا حکومت داشته باشد. یک‌جا نباشد که انسان‌ها از فشار، از ظلم، از جور حکومت‌ها، از جور گردن‌کلفت‌ها، از تبعیض‌ها رنج ببرند. یعنی این وضعی که امروز در دنیا اقلیت دارد و یقیناً یک روز در دنیا عمومیت داشته، این تبدیل خواهد شد به عمومیت عدل.^{۱۳۶۶/۱/۳۱}

امروز با انقلاب اسلامی ما که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان هست، انقلاب حضرت مهدی علیه‌الصلوة‌والسلام یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد، بلکه آن را تسریع هم می‌کند و این است معنای انتظار. انتظار فرج، یعنی انتظار حاکمیت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد قانع نیستید، حتی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید قانع نیستید، می‌خواهید باز هم به حاکمیت قرآن و اسلام نزدیک‌تر بشوید، این انتظار فرج است. انتظار فرج، یعنی انتظار گشایش از کار انسانیت.

امروز کار انسانیت در گره‌های سخت، پیچیده و گره‌خورده است. امروز فرهنگ مادی، به

۱. الکافی / ج ۱ / ص ۳۴۱، «خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که از ظلم و ستم پر شده باشد».

زور به انسان‌ها تحمیل شده است؛ این یک گره است. امروز در سطح دنیا تبعیض، انسان‌ها را می‌آزارد؛ این گره بزرگی است. امروز کارِ ذهنیتِ غلطِ مردم دنیا را به آنجا رسانده‌اند که فریاد عدالت‌خواه یک ملت انقلابی در میان عربده‌های مستانه قدرت‌گرایان و قدرتمندان گم می‌شود؛ این یک گره است. امروز مستضعفان آفریقا و آمریکای لاتین و میلیون‌ها انسان گرسنه آسیا و آسیای دور، میلیون‌ها انسان رنگین‌پوستی که از ستم تبعیض نژادی رنج می‌برند، چشم امیدشان به یک فریادرس و نجات‌بخش است و قدرت‌های بزرگ نمی‌گذارند ندای این نجات‌بخش به گوش آنها برسد؛ این یک گره است. فرج یعنی باز شدن این گره‌ها. دید را وسیع کنید، به داخل خانه خودمان و زندگی معمولی خودمان محدود نشویم، در سطح دنیا انسانیت فرج می‌طلبد، اما راه فرج را نمی‌داند.

شما ملت انقلابی مسلمان باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به‌سوی ظهور مهدی موعود و انقلاب نهایی اسلامی بشریت که سطح عالم را خواهد گرفت و همه این گره‌ها را باز خواهد کرد قدم‌به‌قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید، این است انتظار فرج. در این راه لطف پروردگار و دعای مستجابِ ولیّ عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پشتیبان ماست و ما باید خود را با آن حضرت و با یادش هرچه بیشتر آشنا کنیم. امام زمان را فراموش نکنیم. مملکت ما، مملکت امام زمان است. انقلاب ما، انقلاب امام زمان است، زیرا انقلاب اسلام است. یاد ولیّ‌الله اعظم را در دل‌های خوتان داشته باشید. دعای «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ» را با همه دل و با نیاز کامل بخوانید. هم روحتان در انتظار مهدی باشد، هم نیروی جسمی‌تان در این راه حرکت بکند. هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی برمی‌دارید، یک قدم به ظهور مهدی نزدیک‌تر می‌شوید. ۱۳۶۰/۳/۲۹

حکومتی که امروز در دست شما مردم است آرزوی هزار ساله مؤمنانِ بالله بوده است. امامان همه در این خط حرکت کرده‌اند که حاکمیتِ خدا را، حاکمیتِ قانونِ الهی را بر جامعه‌ها حکومت بدهند. تلاش‌ها شده است، جهادها شده است، زجرها کشیده شده است. زندان‌ها و

تبعیدها و شهادت‌های پرثمر و پر بار در این راه تحمل شده است. امروز این فرصت را شما پیدا کرده‌اید؛ همچنانی که بنی اسرائیل پس از قرن‌ها این فرصت را در زمان سلیمان پیغمبر و داوود پیغمبر پیدا کردند. آنچه را که دارید، ای امت مسلمان، ای ملت قهرمان و مبارز ایران قدر بدانید، خود را نگاه دارید تا ان شاء الله این حکومت به حکومت حضرت ولی عصر، مهدی موعود، صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه منتهی بشود. ۱۳۶۰/۲/۱۸

این راهی است که شما ملت عزیز ایران در پیش گرفتید، دنبال می‌کنید، حرکت می‌کنید و به توفیق الهی این راه را ادامه خواهید داد و این راهی است که خوشبختانه امروز مشاهده می‌کنیم ملت‌های مسلمان در گوشه و کنار جهان اسلام، به تدریج و آرام آرام دارند به این سمت حرکت می‌کنند. خدای متعال فرموده است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» اگر چنانچه این تقوا را ما شیوه عمل خودمان قرار بدهیم، مسلم عاقبت و سرانجام کار، متعلق به امت اسلامی خواهد بود و این آینده به امید خدا چندان دور نیست. ۱۳۸۹/۱۲/۲

یک جمله در پایان عرض بکنم در مورد لزوم ارتباط عاطفی، معنوی، روحی با آن امام بزرگوار و ولی معصوم الهی برای یکایک ما. مسئله را در حد تحلیل روشنفکری و فکری محدود نکنید. آن معصوم برگزیده خدا، امروز در میان ما انسان‌ها، در یک جای دنیا که ما نمی‌دانیم، زندگی می‌کند. او وجود دارد، او دعا می‌کند، او قرائت قرآن می‌کند، او تبیین مواضع الهی می‌کند، او رکوع و سجود می‌کند، او عبادت می‌کند، او دعا می‌کند، او در مجامعی ظاهر می‌شود، کمک به انسان‌هایی می‌کند. او وجود خارجی دارد، وجود عینی دارد، منتهی برای ما ناشناخته است. این انسان برگزیده پروردگار، امروز هست و ما باید رابطه‌مان را به صورت شخصی، به صورت قلبی، به صورت روحی نیز علاوه بر شکل اجتماعی و سیاسی‌اش - که بحمدالله نظام ما در جهت خواست آن بزرگوار ان شاء الله هست - باید تقویت بکنیم. یعنی تک‌تک افراد جامعه ما توسل به ولی عصر و آشنایی با آن حضرت و راز و نیاز با آن بزرگوار و سلام به آن حضرت و توجه به آن حضرت را بایستی یک وظیفه و یک فریضه خودشان بدانند و دعا کنند برای آن حضرت همچنانی که ما در روایات داریم و

۱. سوره مبارکه اعراف/ آیه ۱۲۸، «و فرجام [نیکو] از آن پرهیزکاران است»

این دعای «اَللّٰهُمَّ کُنْ لِّوَلِیکَ» یکی از انواع دعا‌های فراوانی است که وجود دارد، و زیاراتی که در کتاب‌ها هست که همه این زیارات علاوه بر اینکه بُعد فکری و آگاهی‌بخشی و معرفت دارد برای ما که آنها را بخوانیم، بُعد روحی و قلبی و عاطفی و احساسی هم دارد و ما به این احتیاج داریم. بچه‌های ما، جوان‌های ما، رزمندگان ما در جبهه با توجه و توسل به امام زمان روحیه می‌گیرند، شاداب می‌شوند، امید پیدا می‌کنند. با گریه شوقی که می‌کنند و اشک شوقی که می‌افشانند، دل‌های خودشان را به آن حضرت نزدیک می‌کنند، خودشان را مورد توجه و عنایت خدا و آن بزرگوار قرار می‌دهند و این بایستی وجود داشته باشد. ۱۳۶۶/۱/۳۱

ای امام زمان! ای مهدی موعود محبوب این امت! ای سلاله پاک پیامبران! و ای میراث‌بر همه انقلاب‌های توحیدی و جهانی! این ملت ما با یاد تو و با نام تو از آغاز خو گرفته است و لطف تو را در زندگی خود و در وجود خود آزموده است. ای بنده شایسته صالح خدا! ما امروز محتاج دعایی هستیم که تو از آن دل پاک الهی و ربّانی و از آن روح قدسی برای پیروزی این ملت و پیروزی این انقلاب بکنی و به‌دست قدرتی که خدا در آستین تو قرار داده است به این ملت و راه این امت کمک بفرمایی. «عَزِيزٌ عَلٰی اَنْ اَرٰی الْخَلْقَ وَلَا تُرٰی». ای امام زمان! برای ما خیلی سخت است که در این جهان، در این طبیعت بی‌پایان که متعلق به صالحان است، متعلق به بندگان خداست، دشمنان خدا را ببینیم، آثار وجود دشمنان خدا را لمس بکنیم، اما تو را نبینیم و فیض حضور تو را درک نکنیم.

پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند می‌دهیم دل‌های ما را با یاد امام زمان همواره باطراوت بدار.

پروردگارا! چشم‌های ما را به جمال ولی عصر منور بگردان.

پروردگارا! این جنود الله، این انسان‌هایی را که در راه تو مبارزه کرده‌اند، سربازان و جانبازان امام زمان قرار بده. ۱۳۵۹/۴/۶

پروردگارا! به محمد و آل محمد قلب مقدس ولی معصوم خودت را از ما راضی کن. ما را جزو

۱. الکافی / ج ۴ / ص ۱۶۲، «اَللّٰهُمَّ کُنْ لِّوَلِیکَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْ آبائِهِ فِی هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِی کُلِّ سَاعَةٍ وَلَیْسَ وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِیلاً وَ عَیْنًا حَتّٰی تُسَکِنَهُ اَرْضَکَ طَوْعًا وَ تُثَمِّعُہُ فِیْهَا طَوِیلاً».

۲. بحار الانوار / فرازی از دعای ندبه / ج ۹۹ / ص ۱۰۸، «بر من سخت است که همه را ببینم و تو را نبینم».

۳۵۰ ■ انسان ۲۵۰ ساله

متوجهین و متوسلین به آن حضرت قرار بده.

پروردگارا! به حرمت محمد و آل محمد فرج آن حضرت و قیام آن حکومت الهی را هر چه نزدیک تر کن.

پروردگارا! به ما توفیق تشبّه به آن روزگار و به آن نظام را در سازماندهی و بنای این جامعه نویناد اسلامی عنایت بفرما.

پروردگارا! به محمد و آل محمد ما را از یارانش، از شیعیانش در همه احوال و در همه کارها قرار بده. ۱۳۶۶/۱/۲۱